دشمن‌شناسی

علی دانش*

چکیده

موضـوع دشـمن‌شناسی یکی از موضوعات جدی و لازم جامعه اسلامی است که غفلت از آن، خسارات جبران ناپذیر متوجه جامعه اسلامی خواهد کرد. خداوند در قرآن کریم، دشمنان زیادی را ـــ اعم از درونی و برونی ـــ معرفی کرده است، باید توجه داشت که خطرناک‌ترین دشمن از نگاه قرآن منافقان هستند. قرآن کریم منافقان را با ویژگی‌های سـیاسـی همچون: دوسـتی با بیگانگان، ولایت‌ستیزی، تحقیر و مسخره کردن مؤمنان، فتنه‌گری، ایجاد جنگ روانی و فساد در پوشش اصلاح معرفی می‌کند.

ویژگی‌هـای روانی همچون: خودبزرگ‌بینی، ریـاکاری و سـسـتی در عبادت و سرکشی و طغیان‌گری، برای منافقان، قابل مشاهده است.

ویژگی‌هـای فرهنگی همچون: ریاکاری و دروغ‌گویی، توجیه کارهای نادرسـت خویش، شبهه‌افکنی، کفر ورزیدن در پوشش ایمان و سفاهت و نادانی، برای منافقان، ثابت است.

با این شـناخت، می‌توانیم خود و جامعه خویش را از شـرّ این دشـمن مخفی و خطرناک در امان نگهداریم.

کلید واژه:

نفاق ـ منافقان ـ ویژگی‌های منافقان ـ دشمن

---

* - کارشناسی تفسیر و علوم قرآن، جامعة المصطفي العالمية.

مقدمه

موضوع دشمن‌شناسی در اسلام، از اهمیت والایی برخوردار است که بدون بصیرت و هوشیاری و دشمن‌شناسی، نمی‌توان بر توطئه‌های دشمنان پیروز گشت. متأسفانه برخی از افراد ـــ به‌ظاهر روشن‌فکر ـــ ادعا می‌کنند که ما توهّم دشمن داریم! آنان با خیال خام خود، گفتمان دشمن‌شناسی را به جوامع غیر متمدن نسبت می‌دهند. چنین افرادی ناآگاهانه و یا مغرضانه برای ایجاد زمینه‌های نفوذ فرهنگی دشمن و تسلّط آنان تلاش می‌کنند و سخنان دروغین خود را در قالب‌های روشن‌فکری ارائه می‌دهند.

تاریخ صدر اسلام و همچنین تاریخ معاصر کشورهای اسلامی، نشان می‌دهد که مستکبران همیشه در صدد نابودی یا استعمار کشورهای ضعیف و چپاول منابع طبیعی و استثمار آنان بوده‌اند. امروز نیز در کشورهایی چون فلسطین، سوریه، عراق، افغانستان و... شاهد دشمنی با عقاید ملی و اسلامی و غارت اموال مسلمانان هستیم.

جامعه از افراد و اقوامی تشکیل شده است که دارای طبایع و افکار مختلف است. اگر برخی از آنها براساس سنتی که حافظ منافعشان باشد به دور یکدیگر جمع شوند و اجتماعی را تشکیل دهند به‌طور طبیعی اجتماع دیگری علیه منافع آنان، تشکیل خواهد شد و دیری نمی‌پاید که کارشان به نزاع و درگیری خواهد کشید.

از طرفی، می‌بینیم که در انسان قوایی چون غضب و شهوت وجود دارد که جز در مواقع دفاع به کار نمی‌آید و این خود دلیل بر آن است که وقوع جنگ و درگیری امری اجتناب‌ناپذیر است.

وجود دشمن، توهّم نیست و انسانِ معتقد، با دشمنانی چون شیطان و نفس اماره ـ در درون ـ و کافران، منافقان، محاربان و... ـ در بیرون ـ مواجه است.

بدیهی است که تنها با یاری از خداوند و با آشنایی بیشتر با کتاب آسمانی قرآن کریم، دشمنان خود و جامعه خود را شناخت و با آنها مقابله کرد.

شناخت دشمن، نقش مهم واساسی در رویارویی انسان با آنان دارد؛ چراکه اگر توان انسان در رویارویی بسیار باشد ولی اطلاعات کافی را در دست نداشته باشد، شکست خواهد خورد.

نظر به اینکه قرآن هم جامعیت دارد و هم جاودانگی، درمی‌یابیم که هیچ موضوع مهمی در راستای هدایت انسان نیست که در قرآن از آن صحبت نشده باشد، به‌ویژه موضوع

مهمی همچون سـاختار جامعه اسلامی و عواملی که به‌طور مثبت یا منفی در ساختار آن مؤثر است.

به فرموده امیرمؤمنان علی(ع):

...أَلاَ تَرَوْنَ إِلَى أَطْرَافِكُمْ قَد انْتَقَصَـتْ وَ إِلَى أَمْصَـارِكُمْ قَد أُفْتُتِحَتْ وَ إِلَى مَمَالِكِكُمْ تُزْوَى وَإِلَى بِلاَ دِكُمْ تُغْزَى انْفِرُوا رَحِمَكُمُ اللهُ إِلَى قِتَالِ عَدُوِّكُمْ وَ لاتَثَّاقَلُوا إِلَى الأَرْضِ فَتُقِرُّوا بِالْخَسْفِ وَ تَبُوءُوا بِالذُّلِّ وَ يَكُونَ نَصِيبُكُمُ الأَخَسَّ وَإِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الأَرِقُّ وَمَنْ نَامَ لَمْ يُنَمْ عَنْهُ؛(نهج البلاغه، نامه ٦٢)

... آیا شما نمی‌بینید سرزمین شما با حمله دشمن کم شده، و شهرهایتان تحت فرمان آنان در آمده، و کشـورهایتان ربوده شـده، و در شـهرهای شـما جنگ در گرفته خدا شـما را بیامرزد، به جانب جنگ با دشـمنانتان کوچ کنید، و خود را بر زمین سنگین مسازید که تن به خواری بسپارید، و به ذلّت برگردید، و پست ترین برنامه نصیب شما شود. مرد جنگجو همیشه بیدار و هوشیار است، و هرکه از دشمن آسوده بخوابد دشمن نسبت به او نخواهد خفت.

بیان مسأله

مسـأله دشمن‌شناسی، یکی از مهمترین مسایل جامعه اسلامی است؛ زیرا هر روز که می‌گذرد، دین مبین اسلام در قلب انسان‌های پاک بیشتر رسوخ می‌کنند و هر روز به پیروانش اضـافه می‌شـود، از جهت دیگر طبعاً با اضافه شدن پیروان این دین، بعضی دنیاپرستان منافع خود را در خطر می‌بینند و در پی دشمنی با پیروان این دین برمی‌خیزند.

امروزه، دشـمنی دشـمنان نسـبت به گذشـته بسـیار پیچیده‌تر شده است. برای مثال بسـیاری از وقت‌ها، دشمنان در لباس یک دوست سعی در ضربه زدن به اسلام و مسلمین را دارنـد؛ گاه به‌گونه‌ای بســیار باورپذیر، حقایق را وارونه جلوه می‌دهند و بدینگونه ســعی در تخریب این دین می‌کنند. درحالی‌که با پیشـرفت علم و تکنولوژی، زمینه دشـمنی هم بسـیار وسیع و خطر ناک شده است.

منافقان

گروه خطرناک ـــ که خداوند سـبحان به دشـمنی‌شان تصریح می‌کند و به پرهیز از دوستی با آنها امر می‌کند و نفرینشان کرده است (منافقون (۶۳)، ۱ ـــ ۴) ـــ کسانی‌اند که خصـلت زشت و پلید نفاق بر جان و روحشان حاکم گشته است. این دسته بیشترین عداوت و دشـمنی را در حق مسـلمانان روا می‌دارند؛ زیرا بدترین دشـمنِ انسان، کسی است که در خفا دشمن، و در ظاهر خود را دوست قلمداد کند.

معیار شناخت منافق در جهان‌بینی حس و ماده است و از این‌رو ایمان به غیب و امور نامحسوس را باوری سفیهانه می‌پندارند و همانند کافران وحی را افسانه می‌پندارند.

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلاَ إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءَ وَلَكِن لاَيَعْلَمُونَ» (بقره (۲)، ۱۳)؛

و چون بـه ایشـــان گویند: ایمان آورید چنان که دیگران ایمان آوردند گویند: چگونه ایمان آوریم مانند بی‌خردان؟! آگاه باشید که ایشان خود بی‌خردند ولی نمی‌دانند.

از منظر وحی، جهل و تردید و شک دلیل روی آوردن به نفاق است:

«الأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْراً وَنِفَاقاً وَأَجْدَرُ أَلاَّ يَعْلَمُوا حُدُودَ مَاأَنْزَلَ اللهُ عَلَي رَسُولِهِ وَاللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه (۹)، ۹۷)؛

اعراب بادیه‌نشـین در کفر و نفاق از دیگران سـخت‌تر و به جهل و نادانی احکام خدا که بر رسولش فرستاده سزاوارترند، و خدا دانا و حکیم است.

عذاب نفاق از کفر شـدیدتر است؛ زیرا منافق در زیر نقاب ایمان و خداترسی به پیکره اســلام ضــربه‌های جبران‌ناپذیری می‌زند (نســاء (۴)، ۱۴۵). منافق نه تنها کافر اســت بلکه کفرش با کتمان، دروغ، خدعه و اسـتهزاء همراه است. ولی کسی که کافر محض است دیگر گرفتار این پلیدی‌ها نیست.

ویژگی‌های منافقان:

خـداونـد متعـال برای این گروه، ویژگی‌هـایی را بیـان کرده که در هر زمان و مکان شناخته شوند. برخی از ویژگی‌های کلی آنان عبارت است از:

الف: ویژگی‌های سیاسی منافقان

۱- دوستی با بیگانگان

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللهُ عَلَيْهِم مَا هُم مِنكُمْ وَلاَ مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (مجادله (۵۸)، ۱٤)؛

آیا آن (منافق) مردمی را ندیدی که با (یهود) قومی که خدا بر آن‌ها غضب کرده است دوسـتی کردند؟ آن‌ها به حقیقت نه از شـما مسلمین و نه از فرقه یهودند و به دروغ قسم یاد می‌کنند (که ما اهل ایمانیم) در صورتی که خود می‌دانند.

۲- ولایت ستیزی

« وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُم مِن بَعْدِ ذلِكَ وَمَا أُولئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ * وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم مُّعْرِضُونَ» (نور (٢٤)؛ ٤٧ ـ ٤٨)؛

و (منافقان هم مانند مؤمنان) می گویند که ما به خدا و رسول صلی الله علیه و آله ایمان آورده و اطاعت می کنیم، و لیکن با این همه قول باز گروهی (وقت عمل، از حق) روی می گردانند و اصلاً آنان ایمان ندارند.

و هرگاه به سوی خدا و رسول صلی الله علیه و آله خوانده شوند تا (رسول صلی الله علیه و آله به حکم خدا) میان آن‌ها قضاوت کند گروهی از ایشان (از این دعوت) اعراض می‌کنند.

۳- تحقیر و مسخره کردن مؤمنان

«الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لايَجِدُونَ إِلاَّ جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (توبه (۹)، ۷۹)؛

آن کسانی که عیب‌جویی می‌کنند بر آن مؤمنانی که به صدقات مستحب فقیران را دستگیری می کنند و همچنین مسخره می کنند مؤمنانی را که از اندک چیزی که مقدور آن‌هاست هم (در راه خدا) مضایقه نمی‌کنند، خدا هم آن‌ها را البته مسخره و مجازات می‌کند و به آن‌ها عذابی دردناک خواهد رسید.

٤- فتنه‌گری

«لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلاَّ خَبَالاً وَلأَوْضَعُوا خِلاَلَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ * لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِن قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللهِ وَهُمْ كَارِهُونَ» (توبه (۹)، ٤٧ ـ ٤٨)؛

اگر این منافق مردم هم در میان شما مؤمنان بیرون می آمدند جز خیانت و مکر در سپاه شما چیزی نمی‌افزودند و هر چه می‌توانستند در کار شما اخلال و خرابی می‌کردند، برای شما از هر سو در جستجوی فتنه برمی آمدند، و هم در میان لشکر شما از آنان جاسوس‌هایی وجود دارد، و خدا به احوال ظالمان داناست.

از این پیش (در جنگ خندق و احد) هم آنان در صدد فتنه‌گری بودند و کارها را به تو بر عکس می نمودند تا آن گاه که حق روی آورد و امر خدا آشکار گردید (یعنی اسلام را فتح نصیب کرد) در صورتی که آن‌ها کمال کراهت را داشتند.

۵- ایجاد جنگ روانی در بین مسلمانان

«وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَاأَهْلَ يَثْرِبَ لا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلاَّ فِرَاراً» (احزاب (۳۳)، ۱۳)؛

و در آن وقت طایفه‌ای از آن کفار و منافقانگفتند: ای یثربیان، دیگر شما را (در اردوگاه) جای ماندن نیست (که همه کشته خواهید شد، از گرد پیغمبرﷺ متفرق شوید و به مدینه) بازگردید. و در آن حال گروهی از آن‌ها (برای رفتن) از پیغمبرﷺ اجازه خواسته و می‌گفتند: خانه‌های ما دیوار و حفاظی ندارد، در صورتی که (دروغ می‌گفتند و) خانه‌هاشان بی‌حفاظ نبود، و مقصودشان جز فرار (از جبهه جنگ) نبود.

٦- افساد در پوشش اصلاح

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لاَتُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» (بقره (۲)، ۱۱)؛

و چون آنان را گویند که فساد در زمین نکنید، گویند: تنها ما کار به صلاح کنیم.

۷- کارشکنی

«فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلاَفَ رَسُولِ اللهِ وَكَرِهُوا أَن يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللهِ وَقَالُوا لاتَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرّاً لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (توبه (۹)، ۸۱)؛

آنهایی که از جهاد در رکاب رسول خدا باز نهاده شدند از این بازماندنشان خوشحالند و مجاهده به مال و جانشان در راه خدا را خوش نداشتند و (مؤمنان را هم از جهاد منع کرده و به آن‌ها) گفتند: شما در این هوای سوزان از وطن خود بیرون نروید! آنان را بگو: آتش دوزخ بسیار سوزان تر است، اگر می‌فهمیدند.

ب: ویژگی‌های روانی منافقان

۱- خود بزرگ بینی

«وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ» (بقره (۲)، ۲۰٦)؛

و چون او را (به نصیحت) گویند: از خدا بترس، خودپسندی او را به بدکاری برانگیزد (و پند نشنود). جهنّم او را کفایت کند که آرامگاه بدی است.

۲- ریا کاری و سستی در عبادت

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلاَةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلايَذْكُرُونَ اللهَ إِلاَّ قَلِيلاً» (نساء (٤)، ۱٤۲)؛

همانا منافقان باخدا مکر و حیله می‌کنند و خدا نیز با آنان مکر می‌کند، و چون به نماز آیند با حال بی‌میلی و کسالت نماز کنند و برای ریاکاری آیند و ذکر خدا را جز اندک نکنند.

۳- سرکشی و طغیان گری

«...اللهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» (بقره (۲)، ۱۵)؛

خدا به ایشان استهزا کند و در سرکشی مهلتشان دهد که حیران بمانند.

ج: ویژگی‌های فرهنگی منافقان

۱- ریا کاری ودروغگویی

« إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللهِ وَاللهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (منافقون(٦٣)، ١)؛

(ای رسول ما) چون منافقان ریاکار نزد تو آیند گویند که ما به یقین و حقیقت گواهی می‌دهیم که تو رسول خدایی و خدا می‌داند که تو رسول اویی و خدا هم گواهی می‌دهد که منافقان سخن دروغ می‌گویند.

۲- توجیه روش‌های نادرست خویش

«لَوْ كَانَ عَرَضاً قَرِيباً وَسَفَراً قَاصِداً لاتَّبَعُوكَ وَلكِن بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (توبه (۹)، ۴۲)؛

(ای رسول) اگر این مردم را برای منفعت آنی و فوری و سفر کوتاه (تفریحی) دعوت کنی البته تو را پیروی خواهند کرد و لیکن این سفر (به تبوک برای جنگ با روم) بر آنان دراز و دشوار آمد، و مؤکد به خدا سوگند می‌خورند که اگر توانایی داشتیم همانا با شما بیرون می‌آمدیم، اینان خود را به دست هلاکت می‌سپارند و خدا می‌داند که آن‌ها به حقیقت دروغ می‌گویند.

۳- شبهه افکنی

« وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللهُ وَرَسُولُهُ إِلاَّ غُرُوراً» (احزاب (۳۳)، ۱۲)؛

و نیز در آن هنگام منافقان و آنان که در دلهایشان مرض (شک و ریب) بود (با یکدیگر) می‌گفتند: آن وعده (فتح و نصرتی) که خدا و رسول به ما دادند غرور و فریبی بیش نبود.

٤- کفر ورزیدن درپوشش ایمان

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللهِ وَبِالْيَوْمِ الآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» (بقره (٢)، ٨)؛

و گروهی از مردم (یعنی منافقان) گویند: ما ایمان آورده‌ایم به خدا و به روز قیامت، و حال آنکه ایمان نیاورده‌اند.

٥- سفاهت و نادانی

«أَلاَ إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لاَيَعْلَمُونَ» (بقره (٢)، ١٣)؛

و چون به ایشان گویند: ایمان آورید چنانکه دیگران ایمان آوردند گویند: چگونه ایمان آوریم مانند بی‌خردان؟! آگاه باشید که ایشان خود بی‌خردند ولی نمی‌دانند.

نتیجه:

از آیات قرآن کریم درباره منافقان اینگونه نتیجه می‌گیریم که مهمترین و خطرناک‌ترین دشمن، همان دشمن داخلی و یا منافقان است. منافقان، چه از جهت مجموع اعتقادات دینی و مذهبی چه از ناحیه معاشرت‌های اجتماعی، دشمن ناشناخته‌اند. دشمن شناخته شده هرچند هم قوی و نیرومند باشد، ضررش کمتر و خیانتش قابل دفاع‌تر است؛ زیرا هویت او معلوم و سوء قصد او روشن است، لیکن دشمن ناشناخته هرچه هم کوچک و ناتوان باشد؛ چون نقابی از دوستی و محبت بر چهره دارد، و شعار او شعار توده مردم است که زیر آن نقاب و شعار، دلی مملو از کینه و عداوت، و خنجری زهرآلود و کشنده پنهان دارد، و همواره منتظر فرصتی است تا به اغراض پلیدش جامه عمل بپوشاند، مقابله با او مشکل است.

این گروه، بدترین و خطرناک‌ترین دشمن نسبت به مسلمانان‌اند؛ زیرا منافقان در ظاهر خود را به صفت دوست می‌نمایانند که در باطن، دشمن‌اند و از هیچ ضربه‌ای کوتاهی نمی‌کنند و از آنجایی که دشمنی اینها مخفی است، مسلمانان باید هوشیار باشند تا در دام آنان گرفتار نشوند.

اندیشه‌های قرآنی

صاحب امتیاز:

جامعة المصطفی العالمیة

مدرسه عالی برادران- مشهد مقدس

QUR'ANIC THOIUGHTS

Bi - Quraterly Journal of Qur'anic Thoughts
VOL.1, NO.2, Winter 2014

Licence – holder:
Al-Mustafa international University in Holy Mashhad

Director in Charge:
Muhammad Ghorbanzadeh

Editor in chief:
Jafar Abbasi

Executive Director:
Sayyed Ali Vaezzadeh

Editorial Board:
Jafar Abbasi, Sayyed Ali Hosseini, Ahmad Mirzaei, Rahmatullah Norri, Ahmad Razavi

Editor:
Ahmad Razavi

Compositor:
Sayyed Sulaiman Hossaini

Address: NO.14, IMAMKHOMEINI STREET, MASHHAD, IRAN

QUR'ANIC
Thoughts

Bi-Quarterly Joural of Qur`nic Thoughts Autumn 2014 , Year 1,No.2